

مدح اهل بیت (ع) از منظر ابن معتوق

دکتر ابوالحسن امین مقدسی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۲۳ تا ۳۶)

چکیده:

نقش قرآن در شعر دوره اموی و عباسی نقشی مفهومی و غیر مستقیم است و اقتباس‌های ظاهری در شعر دوره اموی که سبب حاکمیت تعصب عربی است فقط در موارد نادری در جهت اندیشه‌های سیاسی به کار رفته است. در زمینه نثر برخلاف شعر متون، کاملاً دینی و یا تحت تأثیر مستقیم پیام‌های دینی است. در دیوان شاعران مهم دوره عباسی همچون شریف رضی و متنبی اقتباس قرآنی حضور ندارد، ولی شعر دوره سقوط شعری است که آیات قرآن در میان ابیات آن مشهود است و شعرای گمنام و مشهور در این امر مشترکند. مطمئناً یکی از علل این پدیده وجود حاکمیت‌های دینی است که بیشتر به ظواهر دینی مقید بوده‌اند. ابن معتوق یکی از شعرای شیعی قرن یازدهم هجری است. وی تصاویر مختلفی از آیات قرآن را چه به صورت مستقیم و چه به صورت مضمونی در شعر خود به نمایش گذاشته است. او اکثر آیات نازل شده در شأن اهل بیت را در مدح ممدوح خود به کار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: اهل بیت (ع)، اقتباس قرآنی، ابن معتوق، مدح.

مقدمه:

بررسی ادب عربی بدون در نظر گرفتن قرآن تلاشی بیهوده است. تمام سرمایه فرهنگ و تمدن عربی در قبل از اسلام چیز قابل ذکری نیست، به خصوص اگر باور کنیم که کشورهای حاکم بر جهان، ایران و روم بوده‌اند و سرزمین خشک حجاز جز از خیمه‌های برپا شده عرب بدوی در بیابان‌های داغ آن و زندگی ساده آن چیزی به یاد ندارد. در زمینه اقتصادی حداکثر می‌توان از تجارت قریش سخن گفت که در مقایسه با معادلات جهان آن روز نکته قابل طرحی نیست. در بعد فرهنگی بازار عکاظ خودنمایی می‌کند که تمام سرمایه فرهنگ عربی را در خود جای داده است. پررونق‌ترین کالای این بازار شعر و پرجاذبه‌ترین برنامه آن انتخاب شعر سال است. حافظه‌ها اوراق اصلی اسناد حفظ این سرمایه عربی است. علاوه بر آنکه مکتوب شعر سال نیز تحت عنوان معلقات سبع در کعبه آویزان می‌شد. البته وجه دیگری نیز برای معلقات گفته‌اند که در تحلیل ما نقشی نخواهد داشت. زندگی ساده و بکر عربی، ذهن شاعران را دست نخورده و طبیعی باقی گذاشته بود؛ به همین جهت شعر عربی قبل از اسلام یکی از منابع قوی قواعد صرف و نحو عربی است. در این راستا مفسران یکی از وجوه اعجاز قرآن را بعد ادبی آن می‌دانند، افزون بر آنکه این بعد ادبی با محتوای سازنده و پراز معنویت و تفکر در آمیخته و موجب جذب و بیداری مردم به خصوص نسل جوان گشته است.

به جز اندرزها و نصایح حکمت‌آمیز زهیر، اکثر اشعار شعرای صعالیک و معلقات تصویرکننده محیط خشک حجاز، عشق‌های مجازی و قدرت و شجاعت شاعر است، و همه اینها هیچ غنایی برای ایجاد یک تمدن بزرگ به وسعت تمدن اسلامی نداشته است و بسیار روشن بود طرح جدایی اندیشه عربی از اندیشه اسلامی جز شکست، سرنوشتی نداشت.

با ظهور اسلام و بعثت پیامبر (ص) و نزول آیات وحی، ساختار فرهنگ جدید

عربی پی ریزی شد که بعدها به نام تمدن اسلامی برجهان سایه افکند. ادبیات نیز که تابعی از فرهنگ هر ملت است از این صعود عقب نماند و تغییر و تحول آن در ذهن مورخان ادب به دوره‌های مختلف تقسیم شد.

دوره جاهلی از آغاز تا ظهور اسلام را شامل می‌شود و بنا به گفته دکتر وجیه فانوس در دیدگاه نقاد ادب این دوره محصول سالیان تلاش و رشد تکامل زا بوده است.

دوره اسلامی - اموی که از ظهور اسلام تا پایان سال ۱۳۲ هجری را در بر می‌گیرد و دوره عباسی از سال ۱۰۳ هجری شروع و تا سال ۶۵۶ هجری آغاز سقوط بغداد توسط هلاکو پایان می‌پذیرد. دوره چهارم از سقوط بغداد آغاز و تا نهضت جدید ادب عربی تحت عنوان ادب معاصر ادامه می‌یابد.

دوره پنجم از زمان ورود ناپلئون به مصر با عنوان ادب معاصر شناخته شده است.

بحث ادب جاهلی در موضوع تحقیق ما نمی‌گنجد ولی ادب دوره اسلامی - اموی از دو بعد حائز اهمیت است. با توجه به نزدیک بودن زمان بعثت، بعضی از متون نثر به خصوص خطبه‌ها جنبه دینی دارد، ولی شعر اینچنین نیست بلکه ویژگی دیگری بر شعر حاکم است و آن روح خالص قومی - عربی است و هر چه به طرف انتهای دوره اموی به پیش می‌رویم از درجه خلوص عربیت آن کاسته می‌شود. به یقین می‌توان گفت یکی از عوامل موثر بر این ویژگی، حاکمیت تعصب عربی بر حکومت‌های اموی است و اقتباس‌های قرآنی فقط در موارد نادری جهت تثبیت اندیشه سیاسی به کار رفته است.

دوره عباسی که بعضی از مورخان ادب عربی آن را به عباسی اول و دوم تقسیم کرده‌اند، دوره شکوفایی شاهکارهای نظم و نثر عربی است. شاعرانی همچون متنبی، ابوالعلاء، شریف رضی، ابونواس، ابوفراس... و بنیانگذاران نحو، و مفسران بزرگ همه زاده این دوره‌اند. نقش قرآن در شعر این دوره نقشی ظاهری نیست بلکه

تأثیر قرآن بر شعر این دوره تأثیر غیر مستقیم و مفهومی است. به عنوان مثال در مجموع دیوان متنبی یک آیه قرآن به طور مستقیم حضور ندارد. حتی در دیوان فقیه و نقیب بزرگ علوی، شریف رضی نیز کمتر استشهاد قرآنی می‌بینیم.

یکی از ویژگی‌های دوره سقوط، ظهور بیش از حد شواهد قرآنی و حدیثی در شعر عرب است. دینی شدن شعر از مفهوم جامعه‌شناختی خاصی برخوردار است که خود به تحقیق جدی نیازمند است، ولی آنچه که از مطالعه اولیه استنباط می‌گردد، آن است که شکل ظاهری دین‌گرایی حکومت‌ها، و اصالت دادن به ظواهر دینی یکی از عوامل موثر بر این جریان در دوره سقوط است. بدیعه سرایی در مدح حضرت ختمی مرتبت (ص) و شاعر شدن اکثر فقها و مورخان نظریه فوق را تأیید می‌کند. نکته‌ای را ابن منظور در مقدمه لسان العرب گفته است که قابل تعمق است. او فلسفه قاموس نویسی خود را وجود لحن در زبان عربی و از بین رفتن زبان قرآن و در آمیختن زبانهای بیگانه با زبان عربی می‌داند و با این انگیزه به تألیف لسان العرب همت گماشته است. البته نیت همه شعرا و نویسندگانی همچون ابن منظور یکسان نیست. به خصوص اگر نقش گرایش‌های مذهبی را خوب بررسی کنیم در می‌یابیم که شاعرانی همچون ابن معتوق با نگاهی برگرفته از احادیث شیعی شواهدی از آیات قرآن را در شعر خود به کار برده‌اند.

ابن معتوق :

شهاب الدین موسوی معروف به ابن معتوق در سال ۱۰۸۷ هجری در دمشق وفات یافت. او به طور مسلم از شعرای شیعی است که در مدح پیامبر و علی (ع) و امام حسین (ع) قصائدی سروده است، ولی بیشتر دیوان او به مدح سید علی خان و سید برکه حاکمان دمشق اختصاص دارد. مجموعه دیوان او توسط سعید شرتونی به چاپ رسیده است. مسلماً این ابن معتوق ؛ ابن معتوق واعظ واسطی نیست. ابن

معنوق واسطی متوفای ۷۵۰ هجری است که آخر الامر نیز اختلال حواس پیدا کرد.

مدح اهل بیت (ع):

ابن معنوق بعد از اینکه پیامبر(ص) را همچون نوری می داند که افق هدایت را گشوده و تیرگی، ضلالت و گمراهی را زدوده است، می گوید: «سوره های حوامیم: (غافر، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه و احقاف) به فضل و برتری پیامبر(ص) گواهی می دهد و در مقایسه با دیگر پیامبران (ص) همین فضیلت برای او کافی است». او در ادامه از کسانی که از حقیقت شأن پیامبر (ص) ناآگاهند می خواهد که درباره مقام حضرت از سوره یس، الضحی و طه سؤال کند:

شهدت حوامیم الكتاب بفضله	وکفی به فخراً علی اقرانه
سل عنه یاسینا وطه و الضحی	ان کنت لم تعلم حقیقة شأنه

(دیوان ابن معنوق، ص ۹)

شاعر دوباره در همین مدح با تواضعی شایسته می گوید: «مدح در مقام تو کوتاه و نارساست، قدر و منزلت کسی را که خداوند در قرآنش او را ثنا گفته است چگونه می توان گفت؟»:

عذراً فان المدح فیک مقصّر	والعبد معترف بعجز لسانه
ما قدره ما شعره بمدیح من	یثنی علیه الله فی قرآنه

(همان)

ابن معنوق در ابیاتی دیگر به حدیثی اشاره می کند که حضرت فرموده است: من از یوسف ملیح ترم، و با این اشاره، همه تلخی را در راه محبت او شیرین می داند.

صبراً علی کل مرّ فی محبتکم یا املح الناس ما احلی بکم المی

(همان، ص ۱۱)

سبک و سیاق شعر ابن معنوق از یکنواختی مشخصی برخوردار است؛ او

همچون ابیات اول در مدح پیامبر (ص) و خاندان اهل بیت (ع) سوره‌های نبأ، الضحی، نور، نجم، حوامیم و دهر را به شهادت می‌طلبند و از مخاطبان خود سؤال می‌کند آیا حوامیم و هل اتی (هل اتی آیه اول سوره دهر است که آیاتی از آن در شأن اهل بیت (ع) نازل شده است) در شأن غیر آنها نازل شده است؟

کفاهم ما بَعَمَى والضحی شرفا والنور و النجم من آی اتت بهم
سل الحوامیم هل فی غیر هم نزلت و هل اتی هل اتی الأ بمدحهم
آیه تطهیر:

(همان، ص ۱۴)

اهل بیت (ع) در دیدگاه ابن معتوق شمشیرهای حق برای دفاع از دین خدا هستند که رجس و پلیدی فقط از ساحت آنها دور شده است:

سیوف حق لدین الله قد نصروا لا یطهر الرجس الا فی حدودهم

(همان، ص ۱۵)

شاعر آیه تطهیر را چهار بار در دیوان خود به کار برده است. یکبار در مدح اهل بیت (ع) و سه بار در مدح سید علی خان. او سید علی خان را منسوب به خاندانی می‌داند که آیه تطهیر در شأن آنها نازل شده است:

شیم تصرح آیه التطهیر عن انسابها و بفضلهن تلوح

(همان، ص ۸۴)

من عترة عندی اعدّ ولا هم و ثناهم من اعظم الآمال
فی آیه التطهیر قد دخلوا ولو سبقوا لضمهم العبا فی الال

(همان، ص ۱۲۵)

بار دیگر در تبریک عید سعید فطر به سید علی خان او را چنین توصیف می‌کند:

قد نزهت آیه التطهیر ملبسه من کل نجس و لکن سیفه جنب

(همان، ص ۱۱۶)

آیه تطهیر لباس او را از هر نجاستی پاک کرده است ولی شمشیر او جنب است، مسلماً تطهیر لباس در این بیت به معنای ظاهری آن نخواهد بود و وصف شمشیر نیز از لطافت و زیبایی برخوردار نیست و تناسب آن با شمشیر قابل توجیه نیست. آیه تطهیر: «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیراً» (احزاب / ۳۳)

همانگونه که گذشت ابن معتوق از موالیان اهل بیت (ع) و شیعیان علی ابن ابی طالب (ع) بوده است. او علی (ع) را وصی پیامبر (ص) و مقدر ارزاق می داند. از نظر او حکم علی (ع) در همه قضایا بر محور عدالت است و او عالم به غیب و شهادتی است که یک ذره از او پنهان نخواهد ماند:

عالم الغیب و الشهادة لایع
زب عنه حساب ذرّ دقاق

(دیوان ابن معتوق، ص ۱۸)

آیه: «لا یعزب عنه مثقال ذرة فی السموات و لافی الارض» (سبا / ۳) گرچه با توجه به وجود احادیث، توصیف به شیوه فوق در دیدگاه شیعیان غلو نیست ولی نیازمند تفسیر و تأویل است. احساس پرشور ابن معتوق در آستانه مدح پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) جاذب و دیدنی است. او معتقد است که پیامبر (ص) جدّ سید علی خان از آن چنان مرتبه‌ای برخوردار است که اگر آدم با نام آن حضرت ابلیس را فرا می خواند، ابلیس استکبار نمی ورزید و اگر موسی با آیه‌ای از آیات پیامبر (ص) به سوی فرعون می رفت، فرعون کافر نمی شد و اگر نیروی او در آسمان بود آسمانها در روز قیامت شکافته نمی شدند. همچنان که پیداست این اوصاف شاعرانه است و ارج و منزلت پیامبر (ص) با اینگونه توصیف‌ها اضافه نمی گردد بلکه شأن و منزلت پیامبر (ص) است که شاعر را ارتقاء می دهد و شعرش را به اوج می رساند:

لو ان موسی قد اتی فرعونه
فی آی ذات فقاره لم یکفر

او لودعا ابلیس آدم باسمه
او فی السماء تكون قوّة باسه
عند السجود لديه لم يستکبر
فی الروع يوم البعث لم تظفر

(دیوان ابن معنوق، ص ۱۲۸)

آیه اقتباس شده در بیت دوم: فسجدوا الا ابلیس ابی و استکبر و کان من الکافرین
(بقره / ۳۴) آیه اقتباس شده در بیت سوم: اذا السماء انفطرت (انفطار / ۱)

ممدوحان شاعر:

آنگونه که از ابیات دیوان ابن معنوق بر می آید او فقط در ساحت مدح پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به مبالغه نمی پردازد بلکه در مدحی پر از غلو سید علی خان را آن چنان به اوج می رساند که اگر او با بلاغتش ادعای نبوت کند قرآنش همتایی نخواهد داشت و نبوتش پذیرفته خواهد شد:

لو بالبلاغة للنبوة يدعی
لغدا و ما قرآنه بعضین

(دیوان ابن معنوق، ص ۳۵)

آیه مورد اقتباس: كما انزلناه علی المقتسمین. الذین جعلوا القرآن عضین
(حجر / ۹۱).

از نظر شاعر سید برکه، ممدوح او، از نسل انبیاء (ع) است و چون دشمنان قصد زدودن نور او نمایند، هرگز نتوانند آن را خاموش کنند؛ زیرا او نوری است که خداوند بر افروخته است و از آنجا که او متکی به خداوندی است که بر فراز همه تدبیرهای نهان و آشکار به تدبیر جهان می پردازد، دسیسه های پنهانی بر او تأثیر ندارد:

همّ العدا بذهاب النور منه و ما
یطفئون نوراً یرید الله یظهره

(دیوان ابن معنوق، ص ۴۰)

آیه مورد اقتباس: یریدون لیطفئوا نور الله بافواهم و الله متم نوره... (صف / ۸)

و دبروا الامر سرّاً و هو متکل و ربّه فوق ایدیهم یدبّره

(دیوان ابن معنوق، ص ۴۰)

آیه مورد اقتباس: یدبر الامر من السماء الی الارض (سجده / ۵)

عید فطر و قربان:

سید علی خان در تبریک عید فطر سال ۱۰۶۵ هجری در اوج احساس شاعرانه ابن معنوق قرار گرفته است و بنابه تعبیر شاعر اگر او نبود طور قدس مجد و کرامت در هم کوبیده می شد و موسای قدر و منزلتش مدهوش می گشت:

لولاک قدس المجد اصبح طوره دگّا یموج و خرّ موسی قدره

(دیوان ابن معنوق)

آیه اقتباس شده: فلما تجلی ربه للجبل جعله دگّا و خرّ موسی صعقا (اعراف ۴۳/۷) آنگاه که شاعر عید قربان را در سنه ۱۰۷۰ هجری به سید علی خان تبریک می گوید، سرزمین مکه را محل تفریح حوران بهشتی توصیف می کند به طوری که غلامان جامههایی از ماء معین به انسان می نوشانند:

و ملعب حور جنات سقتنا به الولدان کأساً من معین

(دیوان ابن معنوق، ص ۸۶)

آیه مورد اقتباس: یتاف علیهم بکأس من معین (الصفات / ۴۵)

او در ادامه توصیف مکه اهالی آن شهر را مخاطب قرار می دهد و می گوید: «من شما را امین قلب خود می دانستم ولی شما خیانت کردید در حالی که شما بزرگان بلد امین، مکه هستید.

امنتکم علی قلبی فخنتم وانتم سادة البلد الامین

(دیوان ابن معنوق، ص ۳۸۷)

آیه مورد اقتباس: وهذا البلد الامین (التین / ۳)

شاعر ما در توصیف مکه باقی نمی ماند؛ او از این رهگذر به مدح ممدوح خود می پردازد و معتقد است که به خاطر او خدای رحمن معانی و مفاهیم را بر زبان شاعر جاری ساخته و به "ن" و قلمش الهام نموده است، با این بیان به آیات سوره الرحمن و قلم اشاره می کند:

بک الرحمن علمنی المعانی واوحاها الی قلمی و نونی

(دیوان ابن معنوق، ص ۹۰)

- الرحمن علم القرآن (الرحمن ۱/ و ۲)

- ن و القلم و مایسظرون (قلم ۱/)

ابن معنوق در مدح سید علی خان، به مدح اجداد او یعنی خاندان پیامبر (ص) می پردازد و می گوید: «آنان حوامیم رشدند که برای هدایت مردم آمده اند و آیات فتحند که در شب قدر نازل شده است» و از این رهگذر، سوره های حوامیم، فتح و قدر را در شعر خود به کار می برد:

حوامیم رشد فصلت للوری هدی و آیات فتح انزلت لیلۃ القدر

(دیوان ابن معنوق، ص ۱۰۱)

حوامیم اشاره به سوره هایی است که با حم شروع می شود. مصرع دوم از آیه «انا انزلناه فی لیلۃ القدر» (قدر ۱/) اقتباس شده است آیه «ختامه مسک و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون» (مطففین ۲۶) پایان می دهد:

زهراء مطلعها بافق ثناتکم و ختامها مسک بکم يتضوع

(دیوان ابن معنوق، ص ۱۰۶)

آیه مورد اقتباس: ختامه مسک و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون (مطففین ۲۶) دشمنان سید علی خان، ممدوح شاعر، آرزویی کردند که اجابتش محال است، اگرچه آنها دست به حيله زدند ولی همانطوری که قرآن فرموده است خداوند بهترین مکرکنندگان است:

تمنّوا محالا لا يرام و خادعوا وقد مكروا والله بالقوم ماكر

(دیوان ابن معتوق، ص ۱۴۶)

آیه مورد اشاره: و مکروا و مکر الله والله خیر الماکرین (آل عمران / ۵۴)
کمتراً شاعری است که از ید بیضای موسی به عنوان سمبل قدرت در شعر خود استفاده نکرده باشد. ابن معتوق چنین به صورت ذیل در شعر خود به کار گرفته است:

قد حکاها فی الید البیضاء وفی رمحه عن عزمه سرعصاها

(دیوان ابن معتوق، ص ۱۷۱)

آیه مورد اشاره: و نزع یده فاذا هی بیضاء للناظرین (اعراف / ۱۰۸)
ابن معتوق در تبریک ختنه نوه سید علی خان خاندان وی را نطفه‌های پاک می‌داند که از رجس و پلیدی به دور است و گِل او اگر بمنزله نقطه‌ای فرض شود آن نقطه‌ای است که در زیر باء بسم الله نوشته شده است. در حدیثی امام علی (ع) به ابن عباس فرموده است که همه قرآن در سوره حمد و همه سوره حمد در بسم الله الرحمن الرحیم و بسم الله در باء جمع است و من نقطه زیر باء بسم الله هستم:
لله طینه اکانت نقطة نقطت بسم الله تحت الباء

(دیوان ابن معتوق، ص ۱۸۳)

سید علی خان نور و چراغی است که از آتشی که در طور سینا همدم موسی بود شعله گرفته است:

نور الزجاجه مصباح توقد من نار الکلیم التي فی طور ناجاها

(همان، ص ۱۹۳)

آیات مورد اشاره: - الله نور السماوات والارض... مثل نوره کمشکاة فیها مصباح المصباح فی زجاجة... (نور / ۳۰)
- آنس من جانب الطور ناراً... (قصص / ۲۹)

نام سید حیدرخان ممدوح دیگر شاعر در میان فخرکنندگان همچون سوره فاتحه است که در اول قرآن آمده است:

اذا مرّ ذکر الفاخرین تذکره کفاتحه القرآن فی اول الذکر

(دیوان ابن معتوق، ص ۱۳۴)

شاعر ضمن مدح حسین پاشا به پیروان او می‌گوید: امید که مولاتان زنده باشد تا شما از نور و حرارت او گرما بگیرید. شما خود سحر او را دیدید و پنداشتید که همچون ازدهای موسی است ولی سامری، شما را بعد از هدایتتان گمراه کرد و گوساله گمراهی را معبود خود قرار دادید.

یحیی دعاکم لمولاکم لتقتبسوا من نوره فاصطلیتم نار جذوته
عارضتموه بسحر من تخیلکم فکان موسی و یحیی مثل حیته
اضلکم الله عن هلاکم سامریکم حتی اتخذتم الهأ عجل ضلته

(دیوان ابن معتوق، ص ۲۰۳)

آیات مورد اشاره - بیت اول: اذ قال موسی لاهله انی آنست ناراً... او اتیکم بشهاب لعلکم تصطلون (نمل / ۷)

- بیت سوم: قال انا قد فتننا قومک من بعدک و اضلهم السامری (طه / ۸۵)

ابن معتوق در رثای امام حسین (ع) داستان شهادت حضرت را ماهرانه به تصویر می‌کشد، آنگاه که امام عریان در میان خاک و خون افتاده است از یک سو همچون داود (ع) در محراب عبادت جلوه می‌کند و از سوی دیگر به یونس پیامبر (ع) می‌ماند که در بیابان افکنده شده است.

لهفی علی العاری السلیب ثیابه فکانه ذوالنون ینبذ بالعراء

(دیوان ابن معتوق، ص ۲۱۴)

آیه مورد اشاره: فنبذناه بالعراء وهوسقیم (صافات / ۱۴۵)

نتیجه:

- ۱- آیات قرآنی که در دوره سقوط استفاده شده است، محدودیت خاصی ندارد و با معانی مختلف به کار گرفته شده است. در شعر ابن معتوق کاربرد آیات اکثراً متناسب است و گاهی نیز به تأویل نیازمند است و بعضی از اقتباسها از درجه معنوی خود نازل شده است. به خصوص آنجا که شأن ممدوح خود را با منزلت پیامبر (ص) و ائمه (ع) یکسان تصویر می‌کند.
- ۲- اکثر آیات اقتباس شده در شعر شاعران شیعی و ابن معتوق مبتنی بر این است که اهل بیت (ع) محور هستی است و نجات پیامبران و توفیق آنها به خاطر این خاندان است. به نظر می‌رسد این نوع تأویل ناشی از احادیثی است که مفهوم "لولاک لما خلقت الافلاک" را تبیین می‌کند.
- ۳- ابن معتوق همچون بعضی از شعراء در استفاده از آیات قرآن افراط نموده است و این وجه موجب کاهش قوه خیال شاعر شده است.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن خلکان، وفيات الاعیان و ابناء الزمان، مكتبة النهضة المصرية، قاهره، ۱۹۴۸ م.
- ۳- ابن شاکر کتبی، محمد، فوات الوفيات و الذیل علیها، تحقیق احسان عباس، دارالشفافه، بیروت، بی تا.
- ۴- ابن معتوق، شهاب الدین، دیوان، به کوشش سعید شرتونی، مطبعة الادبیه، بیروت، ۱۸۸۵ م.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۳۷۴ هـ
- ۶- اربلی، بهاءالدین علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفة الائمة، به کوشش ابراهیم میانجی، تبریز، ۱۳۸۱ هـ
- ۷- امینی (علامه)، عبدالحسین احمد، الغدير فی الكتاب و السنه، مرکز الغدير للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۶ هـ، ۱۹۹۵ م.
- ۸- بکری، امین، مطالعات فی الشعر المملوکی و العثماني، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۹ م.
- ۹- حسینی، عبدالرحمان بن محمد، دیوان ابن نقیب، به کوشش عبدالله جبوری، المجمع العلمی العربی، دمشق، ۱۳۸۳ هـ

- ١٠- زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بی تا.
- ١١- صفدی، صلاح الدین، الوافی بالوفیات، دارالنشر فراتر شنائیر، لیسبون، ١٩٦٢م.
- ١٢- طباطبایی (علامه)، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسماعیلیان، ١٩٦٢م.
- ١٣- فانوس، وجیه، مخاطبات من الضفة الاخری للنقد الادبی، اتحاد الکتاب اللبنایین، بیروت، ٢٠٠١م.
- ١٤- فروخ، عمر، تاریخ الادب العربی، دارالعلم للملایین، بیروت، ١٩٧٢م.
- ١٥- المعجم المفهرس.
- ١٦- موسی باشا، عمر، ادب الاول المتتابعه، دارالفکر الحدیث، ١٣٨٦هـ.